

بهداشت فرهنگی و بحران فاصله‌گذاری اجتماعی در همه‌گیری کووید-19

سعید جلیلی

دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

چکیده:

امروزه پس از گذشت حوادث بسیار بر زندگی بشر به درستی ثابت شده انسان یک موجود اجتماعی است. حال اگر جامعه و اجتماع از این موجود اجتماعی گرفته شود، اعمال و رفتار او نیز دچار اختلال و نابسامانی شدیدی خواهد شد. به ویژه در دورانی که عدم آگاهی کافی و نبود بهداشت فرهنگی و فرهنگ بهداشتی برای مقابله با شیوع بیماری از یک سو و تبلیغات زرد رسانه‌ها و سوءاستفاده برخی از شرایط فعلی فرهنگی از سوی دیگر موجب ایجاد یک ندانم‌گرایی جمعی همراه با فشار روحی و روانی در برابر گسترش بیماری در جامعه شده که خطر آن اگر بیشتر از خود بیماری کرونا نباشد کمتر از آن نیست. در این پژوهش با تمرکز بر تاثیر رسانه، امید و نقش دین در ساخت فرهنگی جامعه با روش بنیادی نظری و مبتنی بر استدلال عقلانی منطقی به بررسی شرایط فرهنگی بشر در دوران فاصله‌گذاری اجتماعی ناشی از انتشار بیماری کرونا پرداخته شده تا تهدیدات و فرصت‌های آن شناخته شود. باید میان فاصله‌گذاری اجتماعی با فاصله‌گذاری فیزیکی تفکیک و تمایز قائل شد.

کلمات کلیدی:

همه‌گیری کرونا، بهداشت فرهنگی، فاصله‌گذاری اجتماعی، کرونا و رسانه، امیدواری در بحران، دین و همه‌گیری کرونا

مقدمه:

مروری بر تاریخ بیماری‌های همه‌گیر نشان می‌دهد ویروس کووید-19 و بیماری کرونا نخستین مورد نبوده و آخرین آن هم نخواهد بود. در گذشته هم بیماری‌های بسیاری از جمله وبا، تیفوس، طاعون و انواع آنفولانزا کشورهای بسیاری را درگیر کرده و سبب مرگ هزاران هزار انسان در پهنه کره خاکی شده. وبا در طول تاریخ هفت بار همه‌گیری جهانی گسترده داشته‌است. در عصر صفوی وبا و طاعون یکی از مهمترین دلایل فوت زودرس افراد در ایران محسوب می‌شد. عدم توجه به سلامت و بهداشت و کم توجهی عامه مردم به مسائل بهداشتی در شیوع این بیماری‌ها تأثیر فراوان داشته‌است. در این دوران، ارتباطی تنگاتنگ میان وبا و طاعون تصور می‌شد، به صورتی که در کتب تاریخی و طبی، این دو بیماری توأمان اشاره شده‌است. در دوران قاجار و پیش از آن بارها وبا در ایران شیوع پیدا کرد. در این دوران حکومت کار خاصی برای نجات جان مردم انجام نمی‌داد و تنها به مصون ماندن خود اکتفا می‌کردند. منابع مختلف از شیوع وبا کوچک و بزرگ در سال‌های ۱۲۳۶-۱۲۵۰ و ۱۲۵۲ ه.ق در تهران و سایر شهرها خبر می‌دهند که کار خاصی از سوی حکومت‌ها برای پیشگیری و درمان انجام نمی‌گیرد، به گونه‌ای که در سال‌های ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۳ ه.ق شاه و درباریان قاجار برای مصون ماندن از بلای وبا به لواسان رفتند. بروز نارضایتی‌های مردم از دولت و بحران‌های اجتماعی ناشی از وبا بود که فرصت و زمینه را برای رهبران جریان‌ها فراهم می‌کرد، علی محمد باب از فقر و فلاکت عامه مردم عصر قاجار بهره برداری و در سال ۱۲۶۰ ه.ق شورش کرد.

بحران عالمگیر کرونا به تعبیری جهانی‌ترین چالش بشری است و پنج قاره را درگیر کرده است. کرونا را پدیده‌ای طبیعی بدانیم یا جهشی نادر در طبیعت، بلای آسمانی برای تنبیه بشریت یا شیطانی که جوامع مذهبی را تهدید می‌کند در هر حال آمده است و تا روزگاری چند مهمان بشریت خواهد بود.

عالمگیر شدن این ویروس به یکی از مهمترین و اثرگذارترین مسئله جوامع بشری تبدیل شده است. تأثیر گذاری ویروس کووید-19 بر تمام مناسبات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اجتناب ناپذیر است. آنچه این بیماری را از موارد گذشته متمایز می‌کند موج رسانه‌ای همراه با آن است تا جایی که هر شبکه اجتماعی و هر ابزار رسانه‌ای امروزه بلندگویی برای تبلیغ ترس از کرونا شده در حالی که باید بهداشت فرهنگی و فرهنگ بهداشتی توسط این ابزارها تبلیغ و مردم به رعایت فرهنگ غنی تشویق شوند. باید میان فاصله‌گذاری اجتماعی با فاصله‌گذاری فیزیکی تفکیک و تمایز قائل شد.

کرونا و رسانه‌ها:

رسانه‌های جمعی با حضور گسترده در زندگی افراد، به عنوان منبع اصلی کسب اطلاعات، اثرات مهمی بر سلامت عمومی دارند. در صورت هماهنگی بین سیاست‌های نظام سلامتی با سیاست‌های رسانه‌های جمعی، می‌توان از رسانه‌ها برای فرهنگ سازی در مقوله سلامت استفاده و سریع تر به نتایج مطلوب دست یافت. با وجود همه اهمیت و جایگاهی که رسانه‌های جمعی و جریان اصلی در بحران‌ها دارند اما در مواجهه با کرونا به سیاستگذاری ارتباطی نیاز داریم. چون انسان یک موجود اجتماعی است و به چیزهایی توجه نشان می‌دهد که دیگران توجه نشان می‌دهند. انسان به واسطه ترس درونی از انزوا همیشه تابع جمع و گروه همراهانش است. در واقع شبکه اجتماعی ما و هنجارهای اطراف ما هستند که تعیین می‌کنند چه رفتاری خوب است و چه رفتاری غیر قابل قبول. لذا وقتی می‌خواهیم رفتاری را تغییر دهیم و یا یک رفتاری را ترویج دهیم، نباید به پیام‌های رسانه‌های جمعی و یا تبلیغاتی مثل بیلبورد اکتفا کنیم. بلکه نیاز به استراتژی ارتباطی داریم که در همه سطح شهرها ساری و جاری باشد. مثلا برای تبلیغ فیلم پارک ژوراسیک، چرخ دستی‌های برخی فروشگاه‌های بزرگ را به شکل دایناسور ساختند و این تبلیغ را به مراتب موثرتر از تبلیغ بیلبوردی یافتند. کوتاه سخن اینکه همه شهر باید آکنده باشد از نشانه‌ها و نمادهایی که پیام‌هایی روشن، شفاف و ساده می‌دهند. در سوئد که حتی ماسک زدن اجباری نیست اما در عین حال در بسیاری از فروشگاه‌ها عروسک‌های ویژه کریسمس با ماسک عرضه شده است. البته برخی توصیه‌ها را مردم راحت‌تر می‌پذیرند. مثلا دست شستن راحت‌تر پذیرفته می‌شود چون رفتار آشناست. اما برخی رفتارها آشنا نیستند مثل فاصله گذاری اجتماعی. لذا برای اقناع مردم به رعایت فاصله نیازی به ترس از مرگ نیست بلکه تنها چسباندن برچسب‌هایی بر سطح زمین برای نشانه گذاری فاصله لازم و کافی است. مردم نیز پس از مدتی خود به خود این فاصله را رعایت خواهند کرد بدون اینکه نیازی به پخش آژیر خطر از رادیو تلویزیون و اعلام وضعیت قرمز باشد. در تنظیم نمادها و پیام‌ها در نظر گرفتن ویژگی‌های روانی مردم و روانشناسی اجتماعی جامعه مهم است. همانطور که برجسته سازی خطر مرگ در سطح جامعه اثرات نامناسب دارد، القای غیر مستقیم این نکته که خطر کرونا هم کاهش یافته،

نادرست است. زیرا تجربه نشان داده است اطمینان دادن از قطعی بودن شکست کرونا میزان همراهی مردم را پایین می‌آورد اما تصدیق عدم قطعیت از زمان پایان کرونا و پیچیدگی ویروس، مشارکت و همراهی را بالا می‌برد. نکته مهم تکرار مداوم پیام و همه جا حاضر بودن نمادها در همه سطح شهرها است.

وقتی از تفاوت شرایط انسان امروز در مقایسه با صد سال پیش و در دوران شیوع آنفولانزای اسپانیایی (و یا اچ وان ان وان که بیش از ۵۰ میلیون نفر را کشت) سخن به میان می‌رود عمدتاً پیشرفت‌های پزشکی و توسعه امکانات درمانی و ظرفیت‌های تجهیز منابع برای مدیریت بحران ذکر می‌شوند. اما در کنار این موارد، رسانه‌های اجتماعی را هم باید اضافه کرد به این خاطر که ظرفیت‌های خوبی را در مواجهه با بحران‌ها از خود نشان داده‌اند. تجربه نشان داده است رسانه‌های اجتماعی نقش زیادی در آرامش بخشی و ایجاد درک مشترک و همدلی داشته‌اند. رسانه‌های اجتماعی ظرفیت‌های اطلاع رسانی را به شدت افزایش داده‌اند که قابل قیاس با قبل نیست. البته در کنار ظرفیت‌های خوبی که ایجاد کرده‌اند، آسیب‌هایی هم دارند مثل اخبار جعلی که لازم است توجه جدی به ارتقای سواد سلامت و بخصوص سواد انتقادی سلامت داشته باشیم و برای آن برنامه ملی تدوین شود. ارتقای سواد دیجیتال یکی از اولویت‌های مسوولان در مواجهه با بحران‌های گسترده‌ای مثل کرونا باید باشد چون امروز عصر رسانه‌های اجتماعی است.

بهداشت فرهنگی:

آسایش هم مقدمه‌ی رفاه است و هم نتیجه‌ی رفاه! و وابستگی و درهم تنیدگی این دو مقوله، چنان غیرقابل انفکاک و جدایی ناپذیر است که گاهی حتا اندیشمندان علوم اجتماعی هم -به خطا- آن را یکی می‌پندارند. و اما ما برای رسیدن به آسایش، باید از رفاه نسبی برخوردار باشیم. جامعه‌ای که روی رفاه را ندیده باشد، نمی‌تواند ادعا نماید که در آسایش است.

زیرا که در این معنا، در آسایش بودن به معنای در رفاه به سر بردن است.

حال اگر در رفاه به سر نمی بریم، نمی توانیم از آسایش حرف بزنیم و اگر بخواهیم علت شناسی کنیم و از دیدگاه اجتماعی، با چشمان اتیولوژیست ها، به موضوع بپردازیم، در خواهیم یافت که ریشه و علت العلل تعلل جامعه در رسیدن به آسایش، رعایت نکردن "بهداشت فرهنگی" است. اصطلاح "بهداشت فرهنگی" زیرشاخه هایی دارد که می توان از "بهداشت مجازی"، "بهداشت رایانه ای"، "بهداشت فیلم"، "بهداشت صدا" (یا همان بهداشت موسیقی) و مانند آن نام برد که تامین هر کدام از این موارد نیز با یکدیگر امتزاج کارکردی دارد؛ مثلا ما اگر در داخل و مشخصا صداوسیما، فیلم های موردعلاقه ی گروه های (مختلف) مخاطب را تامین نکنیم، مخاطب به ناچار، چشمانش را به سمت ماهواره و فضای مجازی می چرخاند و در این وضعیت، اگر ما بی توجه بوده باشیم به "بهداشت مجازی" و فضای مجازی ما بی در و پیکر باشد و ورود و خروجش، ضابطه مند نباشد، در تامین نیاز روز اجتماعی نوجوانان و جوانان، پای استدلال "بهداشت فرهنگی" چوبین خواهد بود.

در این میان، جامعه ی امروز ما، از نبود سازوکار حرفه ای رسانه رنج می برد و البته حلقه ی مفقوده ی رسانه ها در نشر و انتشار اخبار و اطلاعات، ضعف مدیریتی حاکم بر مطبوعات و رسانه اعم از نوشتاری و دیداری و شنیداری است. کمتر رسانه ای است که ابتدای رسانه ای اش، رعایت اصول حرفه ای باشد. داده ها بر اساس قواعد حرفه ای پردازش نمی شود. خروجی کار رسانه ها، حرفه ای نیست. بیشتر رسانه ها در پردازش تحلیلی داده ها، عملکردی بسیار ضعیف دارند.

ترس از کرونا، از ترس کرونا خودکشی نکنیم!

با شیوع بحران کرونا، بسیاری از بیماران غیر اورژانسی به دلیل شیوع کرونا و ترس از ابتلا به این بیماری اعمال جراحی خود را متوقف کردند تا در زمان

دیگری بتوانند این اعمال جراحی را انجام دهند و حالا که بیماری در فاز مدیریت قرار گرفته و بیمارستان‌ها در حال بازگشت به حالت عادی ارائه خدمات هستند هم از پیگیری روند درمان خود خودداری می‌کنند و همین موضوع باعث شده تعدادی از این بیماران جان خود را از دست بدهند.

همچنین اخباری منتشر شده مبنی بر خودکشی برخی افراد از ترس ابتلا به بیماری کرونا. با این حال آیا جامعه ظرفیت فرهنگی لازم برای پیشگیری و مقابله با بیماری‌های واگیر را دارد؟ چه بسا خود رسانه‌ها موجب انتشار اخبار زرد و ویروسی شده و با ایجاد ترس موجب مرگ شده باشند.

موجودیت اجتماعی انسان:

هیچ کدام از جانداران جهان غیر از انسانها توانایی حیات اجتماعی وسیع با تکامل روزافزون در آن را ندارند. سرچشمه تمایل به این نوع زندگی نیز انگیزه‌های غریزی، عاطفی و عقلی است. اسلام هم نه تنها این تمایل را به رسمیت شناخته بلکه برای بسیاری از کارهای جمعی مثل عبادات دسته جمعی، ارزش بی نظیری قائل شده است. اما باید دانست در این زندگی اجتماعی، طبیعت چیزی بیش از قانون جنگل را اعطا نمی‌کند و همدلی همراه با آرامش مردم امری است که قدرت الهی آنرا پدید آورده است و یکی از نشانه‌های عظمت و قدرت اوست.

انسان بعد از تولد در محیط‌های مختلف قرار می‌گیرد. هر محیطی به گونه‌ای در رشد و شکوفایی استعدادهای انسان مؤثر است. اجتماع یکی از این محیطها به شمار می‌آید.

اجتماعی بودن انسان ریشه در زمانی بسیار دور از حیات او دارد. تا آن جا که تاریخ نشان می‌دهد انسان همواره به صورت اجتماعی می‌زیسته است. بنابراین، می‌توان گفت جز افراد استثنایی که در هر زمان نمونه‌های اندکی از آنها به چشم می‌خورد، در هیچ دورانی بشر به صورت انفرادی زندگی نکرده است.

پس می‌توان گفت انسان موجودی است اجتماعی؛ موجودی که دوستی و انس با دیگران از ضرورت‌های سازمان وجودی او به شمار می‌آید. بنابراین، در محیط جامعه برای خود دوستانی بر می‌گزیند تا در غم و شادی و رفع مشکلات روحی و مادی یاری‌اش کنند.

بشر، یاد خدا و اعمال دینی در دوران کرونا:

پدیده کرونا به طور موقت موجب توقف مناسک و شعائر دینی شده است، البته بی‌آنکه خدشه‌ای به اصالت دین‌داری یعنی پرستش خدای یکتا و ادای تکالیف اخلاقی وارد کرده باشد؛ حتی از یک سو باعث نزدیکی بیشتر به خداوند به مثابه تنها تکیه‌گاه آرامش‌بخش به هنگام بروز وقایع خارج از قدرت بشر شده و از سوی دیگر با افزایش رفتارهای انسانی و فداکارانه کادر درمان و بهداشت؛ و هم‌دلی و کمک‌رسانی اقشار مختلف جامعه باعث ارتقای اخلاق گردیده است. در خصوص تعطیلی موقت اعمال و مناسک دینی هم این پیام را با خود به همراه آورده است که اولاً دین برای خدمت به انسان آمده است و نه بالعکس. از این رو وقتی پای جان آدمی در میان باشد، اولویت با جان گرانبهای اوست، حتی به قیمت تعطیلی موقت آئین‌های دینی. ثانیاً تعطیلی موقت اعمال و مناسک دینی، مانعی برای ادای فردی بسیاری از مناسک دینی به شمار نمی‌رود. همانطور که می‌دانیم «بعد منزل نبود در سفر روحانی». چه بسا می‌توان در فردیت خود خالصانه‌تر به ائمه ادای احترام کرد و صادقانه‌تر بدانها توسل جست. از این رو تعطیلی موقت اماکن دینی نه تنها بی‌احترامی به آنها نیست و شکستی برای دین محسوب نمی‌شود، بلکه نشان‌دهنده ارزشی است که دین برای جان آدمی قائل شده و به همین خاطر حفظ جان انسان را نسبت به مناسک دینی اولویت داده است.

کرونا، آمد و مناسک ما را دستخوش تغییر و تحول قرار داد، اما ظرفیت‌های پنهان و عجیبی را به نمایش گذاشت که اگر این بحران، سراغمان نمی‌آمد، معلوم نبود هیچ وقت رخ نشان می‌داد. همچنان، مسجد، هیأت، حرم‌های اهل بیت (ع) و امامزادگان و مواکب اربعینی ما، پایگاه و مأوای عده خاصی با تفکرات خاص بود. همچنان همان‌هایی به مسجد سر می‌زدند که دغدغه نماز جماعت داشتند. همچنان همان‌ها از برکات هیأت‌ها بهره‌مند می‌شدند که اهل هیأت بودند و صرفاً کسانی از مواهب موکب‌ها برخوردار می‌شدند که پای در سفر اربعین کوبیده بودند.

کرونا، خدمتگزاری دین را توسعه بخشید و طعم شیرین این خدمت را به همه، حتی آن‌ها که نسبت نزدیک و درونی با دین نداشتند، چشاند.

فاصله‌گذاری اجتماعی یا فیزیکی؟

جنس فرهنگ با پدیده‌های کوتاه‌مدت مواجه نیست و به موضوعاتی مرتبط است که بلندمدت هستند؛ امروز کرونا هم از حالت کوتاه‌مدت درآمده و وارد میان‌مدت شده. در این مفهوم اوایل بحث این بود که آدم‌ها اگر کمتر همدیگر را ببینند، مشکلی پیش نمی‌آید؛ بر این اساس قرار شد مهمانی‌ها و مراسم و حتی سوگواری‌های بعد از مرگ هم بر اثر کرونا هم کمتر برگزار شود اما وقتی این موضوع و تعداد فوتی‌ها بیشتر شده و کرونا گسترش یافته، این آثار فرهنگی را به وفور می‌بینیم.

در علوم اجتماعی اعتراض شد که نگوید فاصله‌گذاری اجتماعی و بگویند فاصله‌گذاری فیزیکی زیرا ما آدم‌ها به روابط اجتماعی نیاز داریم و ارتباطات اجتماعی در ایام کرونا می‌تواند در شکلی دیگر مانند ارتباط تصویری و صوتی و تلفنی ادامه یابد.

فرهنگ به معنای عام یعنی مواجهه آدم‌ها با آدم‌ها که بیش از ۵۰۰ تعریف دارد. فرهنگ در معنای کلی حتی با حمله مغول به ایران یا حمله اعراب به ایران و ورود اسلام به ایران و در جنگ‌ها، در مسائل و بلاهای طبیعی هرگز از بین نرفته و تنها تغییر شکل داده است؛ همچنان که امروز هم روابط و رفت‌وآمدهای ایرانیان در مواجهه با همدیگر از شکلی به شکل دیگر از جمله به کمک فضای مجازی تغییر کرده است.

نتیجه و راهکار:

یکی از مهم‌ترین احساسات منفی در این دوران، حس از دست دادن است. برخی احساس می‌کنند که درآمد خود را از دست داده‌اند، برخی احساس

می‌کنند تسلط خود را بر جریان امور زندگی از دست داده‌اند و برخی دیگر احساس از دست دادن روابط اجتماعی رودرور را دارند.

به گفته محققان این احساسات می‌تواند منجر به احساس بی ارزش بودن، فقدان انگیزه یا حتی بی معنی بودن زندگی روزمره شود. این در حالی است که تحقیقات وسیع در سراسر دنیا نشان می‌دهد فاصله‌گذاری اجتماعی و قرنطینه خانگی مهم‌ترین راهکار برای جلوگیری از شیوع بیماری است.

به اعتقاد محققان برای کاهش این اثرات نامطلوب، تدوین و اجرای سریع سیاست‌های عمومی توسط دولت‌ها امری ضروری است. انتظار کشیدن برای به پایان رسیدن شیوع بیماری یا اتمام فاصله‌گذاری اجتماعی به منظور ارائه خدمات لازم، می‌تواند منجر به بروز عوارض پایدار بر سلامت روانی شهروندان به ویژه قشر آسیب‌پذیر اقتصادی در جامعه می‌شود.

پس باید از معایب فاصله و دوری بین افراد کاسته شده و با تاکید بر فرهنگ بهداشتی فاصله‌گذاری صحیح فیزیکی جایگزین فاصله‌گذاری اجتماعی شود.

گام نخست بازتولید فرهنگی است. بازتولید فرهنگی همان مهارت‌هایی است که می‌آموزیم. باید بتوان بازتولید فرهنگی در قالب این رفتارهای جدید را مدیریت کرد و نه این‌که به حال خودش رها شود؛ اینکه آدم‌ها صرفاً درگیر موبایل و تبلت و کامپیوتر شده و تمام اموراتشان را به شکلی اینترنتی بگذرانند هم آسیب‌های خودش را دارد؛ از آسیب‌های جسمانی و عدم تحرک گرفته تا آسیب‌های ذهنی که می‌تواند رخ می‌دهد.

فرهنگسازی برای موضوعاتی نظیر توسل به اهل بیت و دعا در حین بلا، مواسات و کمک به یکدیگر، فعالیت‌های داوطلبانه و جهادی، تقبیح احتکار کالاهای اساسی مردم، تشویق به زدن ماسک برای رعایت بهداشت اجتماعی و ... از جمله موضوعاتی است که باید بیش از پیش در جامعه گسترش یافته تا تبدیل به رفتار مردمی شود. در آن صورت است که بسیاری از چالش‌های اجتماعی حل خواهد شد.

آگاهی نداشتن جامعه و فقدان دانش افراد نسبت به این بیماری و تبعات آن سبب شده که امروز آمار مبتلایان و افرادی که در اثر این بیماری فوت می‌کنند، بیش از حد انتظار باشد، در واقع می‌توان شرایط کنونی را ناشی از عدم توجه به مسائل مرتبط با فرهنگ سلامت دانست.

ارتقای فرهنگ سلامت و مهرورزی سلامت سبب می‌شود میزان آسیب‌پذیری جامعه در مواجهه با پدیده‌های این‌چنینی کاهش یابد؛ بنابراین ارائه آموزش‌های لازم در قالب برنامه‌های فرهنگی می‌تواند نقش بسزایی در ارتقای فرهنگ سلامت و فرهنگ انفاق در این حوزه داشته باشد.

منابع:

- 1- طاعون در ایران عصر صفوی، محمدعلی پرغو جوادعلی پورسیلاب، تحقیقات تاریخ اجتماعی سال هفتم بهار و تابستان 1396 شماره 1 (پیاپی 13)، صفحه 33-55.
- 2- روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه-ج ۱-ص ۵۸۶
- 3- خلیل میرزایی (1399) علت ها و پیامدهای همه گیری و عالم گیری ویروس کرونا- کووید 19
- 4- محمدجواد چیت ساز قمی (1399) کرونا و دینداری: چالش ها و تحلیل ها
- 5- بورل آر.ام. (1392) همه گیری وبا در ایران در سال 1904 صص 1-23 ترجمه فریده فرزی
- 6- اصغر ایزدی جیران-استادیار انسان شناسی دانشگاه تهران – ایرنا (1399)
- 7- آیت الله مکارم شیرازی-انسان یک موجود اجتماعی-(1397)
- 8- ظرفیت بالای رسانه ها برای مدیریت بحران کرونا-ایرنا-3 دی 1399
- 9- ضرورت توجه به بهداشت فرهنگی جامعه-خبر آنلاین-رضا تاجگر-1396
- 10- کرونا با مناسک دینی ما چه کرد؟-فارس-1399
- 11- کرونا و مناسک دینی-ایرنا-1399-زهره سعیدی
- 12- ارتقای فرهنگ سلامت از میزان آسیب پذیری جامعه در مواجهه با کرونا می‌کاهد- تسنیم-آبان 1399
- 13- انواع محیط ها و تأثیر آن بر انسان: مهدی کی نیا-مبانی جرم شناسی-جلد 2